

Islamic Knowledge and Insight

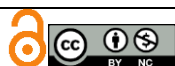
Challenges of Developing Cultural Capital from the Perspective of the Qur'an and Hadith

1. Shahsavari Rostami: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran.
2. Sohrab Morovati*: Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran (Email: s.morovati@ilam.ac.ir).
3. Mohammad Reza Hosseini: Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran.
4. Behrooz Sepidnameh: Associate Professor, Department of Social Sciences, Ilam University, Ilam, Iran.

Abstract

The development and reinforcement of cultural capital in Islamic countries—and the integration of its foundational principles within the framework of modern educational and social systems—entail unique complexities that may be met with various challenges requiring identification and analysis. Accordingly, this study employs a library-based methodology and adopts a descriptive-inferential research approach to qualitatively analyze the content of Qur'anic verses and Hadiths through thematic exegesis. The study identifies these challenges from the viewpoint of the Qur'an and Hadith. The findings indicate that the most significant obstacle to the formation of cultural capital in Islamic societies lies in four domains: epistemological-intellectual (e.g., the suspension of reason and intellectual despotism), ethical-moral (e.g., hypocrisy and disbelief), social (e.g., historical distortion and the promotion of inappropriate models), and theological-doctrinal (e.g., superficial understanding of religion). These challenges not only endanger cultural authenticity but also prevent societies from attaining a civilizational model rooted in divine guidance. However, such challenges can be addressed through Qur'anic and Hadith-based teachings such as strengthening religious knowledge and awareness, fostering social ethics, utilizing divine and educational models, combating cultural monopolization, and ultimately enjoining good and forbidding evil. These strategies are grounded in the principles of piety, justice, and collective responsibility. In contrast to secular approaches, they define culture and cultural capital not as tools for the pursuit of power but as a path toward nearness to God and the realization of a just society.

Keywords: Cultural capital, cultural challenges, Qur'an and Hadith, Islamic ethics



How to cite: Rostami, Sh., Morovati, S., Hosseini, M.R., Sepidnameh, B. (2025). Challenges of Developing Cultural Capital from the Perspective of the Qur'an and Hadith. *Islamic Knowledge and Insight*, 3(2), 1-20.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2025-01-22

Revise Date: 2025-02-28

Accept Date: 2025-03-28

Publish Date: 2025-04-20

معرفت و بصیرت اسلامی

چالش‌های تکوین سرمایه فرهنگی از منظر قرآن و حدیث

۱. شهسوار رستمی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
۲. سهراب مروتی*: استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (پست الکترونیک: s.morovati@ilam.ac.ir).
۳. محمدرضا حسینی‌نیا: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
۴. بهروز سپیدنامه: دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

چکیده

توسعه و تقویت سرمایه فرهنگی در کشورهای اسلامی وادغام اصول اساسی آن در چارچوب‌های آموزشی و اجتماعی مدرن امری دارای پیچیدگی‌های خاصی است که می‌تواند با چالش‌های گوناگونی روبرو باشد که بایستی مورد شناسایی و تحلیل گردند. از اینرو در این پژوهش با یک مطالعه به روش کتابخانه‌ای و استفاده از یک رویکرد پژوهشی توصیفی-استنباطی، به تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن و احادیث با رویکرد تفسیر موضوعی پرداخته شده و این چالش‌ها از دیدگاه آیات قرآنی و احادیث مورد شناسایی قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش و مانع تکوین سرمایه فرهنگی در جوامع اسلامی، در چهار حوزه‌ی معرفتی-فکری (مانند تعطیلی عقل و استبداد فکری)، ارزشی-اخلاقی (نظیر نفاق و کفر)، اجتماعی (از جمله تحریف تاریخ و ترویج الگوهای ناشایست) و فکری-اعتقادی (سطحی‌نگری در فهم دین) ریشه دارد. این چالش‌ها نه تنها اصالت فرهنگی را تهدید می‌کنند، بلکه جامعه را از دستیابی به الگوی تمدنی مبتنی بر هدایت الهی بازمی‌دارند. این چالش‌ها می‌تواند با آموزه‌های قرآنی و حدیثی نظیر: تقویت دانش و معرفت دینی، تقویت اخلاق اجتماعی، بهره‌گیری از الگوهای الهی و تربیتی، مبارزه با انحصارطلبی فرهنگی و نهایتاً امر به معروف و نهی از منکر، مرتفع گردد. محوریت این راهکارها بر تقوا، عدالت، و مسئولیت‌پذیری جمعی استوار است که در تقابل با رویکردهای سکولار، فرهنگ و سرمایه فرهنگی را نه ابزاری برای قدرت‌طلبی، بلکه مسیری برای تقرب به خدا و تحقق جامعه‌ای عادلانه تعریف می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه فرهنگی، چالش‌های فرهنگی، قرآن و حدیث، اخلاق اسلامی.

شیوه استناددهی: شهسوار، رستمی، مروتی، سهراب، حسینی‌نیا، محمدرضا، سپیدنامه، بهروز. (۱۴۰۴). چالش‌های تکوین سرمایه فرهنگی از منظر قرآن و حدیث. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۳(۲)، ۱-۲۰.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۸

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

مقدمه

از منظر جامعه شناسی، مفهوم سرمایه فرهنگی که تأثیرات متقابل فرهنگ و نظام طبقات اقتصادی را بررسی می کند، از جامعه شناسان فرانسوی پیر بوردیو و ژان کلود پسون، سرچشمه گرفته است.

سرمایه فرهنگی، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی، به مجموعه دارایی های نمادین و شناختی اطلاق می شود که از طریق نهادهای آموزشی، خانوادگی و اجتماعی انتقال می یابد (Rouhani, 2009). این مفهوم، نقش بسزایی در شکل گیری

هویت فردی و جمعی، تقویت روابط اجتماعی و ارتقای سطح توسعه جوامع ایفا می کند. در جوامع اسلامی، سرمایه فرهنگی با مفاهیم دینی و وحیانی پیوند عمیقی دارد و به عنوان «ذخیره الهی هدایت بشری» تعریف می شود. قرآن به عنوان «ثقل اکبر» و عترت به عنوان «ثقل اصغر»، دو منبع اصلی شکل دهنده به این سرمایه در فرهنگ اسلامی هستند. امام صادق (ع) در این باره فرموده اند: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، وَالْآيَةُ حَيَّةٌ لَا تَمُوتُ، فَإِنَّهُ إِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا مَوْعِظَةٌ أَوْ تَذَكِيرٌ فَهُوَ حَيٌّ يَعْظُكُ وَيَذَكِّرُكَ» (Al-Kulayni, 1986).

سرمایه فرهنگی نه تنها به عنوان ابزاری برای انتقال دانش و ارزش ها، بلکه به عنوان عاملی برای ایجاد همبستگی اجتماعی و کاهش نابرابری ها عمل می کند. در جوامع اسلامی، این مفهوم با اصولی همچون وحدت، اخوت، عدالت و تعاون گره خورده است که با توجه به شرایط موجود کشورهای اسلامی در دهه های اخیر، نیاز مبرمی به این سرمایه و حفظ و توسعه آن احساس می شود. به عنوان مثال، قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره حجرات می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا». این آیه نشان دهنده آن است که تنوع فرهنگی برای شناخت متقابل و تعامل بین جوامع ضروری بوده که بایستی حفظ و تقویت شود.

مشاهده تعاملات و وضعیت موجود در عصر حاضر، نشان می دهد که جوامع اسلامی با چالش های متعددی در زمینه حفظ و توسعه سرمایه فرهنگی روبرو هستند. جهانی شدن، تغییرات سریع فناوری و نفوذ فرهنگ های غریبومی، موجب تضعیف برخی از ارزش های فرهنگی

و دینی شده است. از سوی دیگر، شکاف نظری بین رویکردهای جامعه شناختی غربی (با تأکید بر نظریه های بوردیو) و مبانی وحیانی، ضرورت بازتعریف سرمایه فرهنگی براساس قرآن و حدیث را آشکار می سازد.

از اینرو این پژوهش با هدف بررسی و تبیین جایگاه سرمایه فرهنگی در منابع دینی و تحلیل چالش های پیش رو، به دنبال ارائه راه حل هایی است که بتواند به حفظ و توسعه این سرمایه در جوامع اسلامی کمک کند. لذا طی آن سعی گردیده که به سوالات اساسی زیر پاسخ های مناسبی ارائه نماید:

۱. مؤلفه های بنیادین سرمایه فرهنگی در قرآن و حدیث کدامند؟

۲. موانع تکوین این سرمایه در جوامع اسلامی چیست؟

۳. راهکارهای غلبه بر چالش ها از منظر منابع دینی کدام است؟

پیشینه پژوهش

اساساً بحث در رابطه با سرمایه فرهنگی از منظر قرآن کریم و احادیث سابقه چندانانی ندارد، اگرچه بحث های فراوانی درباره تعریف فرهنگ، فرهنگ مطلوب و سرمایه های اجتماعی از منظر اسلام، منابع شناخت از منظر قرآن و سایر منابع دینی صورت پذیرفته است که در ادامه، به خلاصه ای از تحقیقات کلیدی در این زمینه اشاره می شود.

ادبیات پژوهش در زمینه سرمایه فرهنگی از منظر قرآن و حدیث نشان می دهد که این مفهوم در مطالعات پیشین به شکل های گوناگون و با رویکردهای متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. فتحی-دهقانپور (۱۳۹۸) سرمایه فرهنگی را در تعالیم دینی، نه صرفاً در چارچوب تقسیم بندی های بوردیویی، بلکه به عنوان کشش درونی مبتنی بر

معرفت و شریعت معرفی کرده است (Fathi & Dehghanpour).

(Farashah, 2020). میری (۱۳۹۳) منابع اصیل فرهنگ مطلوب همچون فطرت، عقل و دین را شناسایی کرده و نحوه بهره گیری وجودی و معرفتی از آن ها را تبیین نموده است (Miri, 2014).

قاسمی (۱۳۸۴) با تحلیل آیات قرآن، راه مقابله با انحطاط فرهنگی را اجرای صحیح دستورات قرآنی می داند (Qasemi, 2005)، در حالی که روحانی (۱۳۸۸) نظریات کلاسیک سرمایه فرهنگی را

معرفی کرده است (Rouhani, 2009). بهرامی (۱۳۸۷) نقش شکل‌دهنده دین در فرهنگ را از منظر قرآن بررسی کرده (Bahrami, 2025) و حیدری (۱۴۰۱) ظرفیت‌های حج را به عنوان سرمایه فرهنگی جهان اسلام تحلیل کرده است (Heydari, 2022). پژوهش‌های جدید نیز همچون مطالعات سورودین (۲۰۲۴) بر نقش چارچوب‌های آموزشی اسلامی در رشد شخصیت و توسعه سرمایه فرهنگی تأکید دارند (Surudin, 2024)، در حالی که بسول (۲۰۲۴) بر ضرورت همسویی سیاست‌های آموزشی با آموزه‌های اسلامی در توسعه فرهنگی اشاره دارد (Bsoul, 2024). همچنین گزالی (۲۰۲۴) با تأکید بر آموزش چندفرهنگی در قرآن و حدیث، مفاهیمی نظیر تسامح، عدالت و برابری را به عنوان پایه‌های توسعه سرمایه فرهنگی معرفی کرده است (Gozali, 2023). تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که مفهوم سرمایه فرهنگی در منابع دینی، به ویژه قرآن و حدیث، با رویکردهای جامعه‌شناختی غربی تفاوت‌های اساسی دارد. در حالی که رویکردهای غربی بیشتر بر دارایی‌ها و ظرفیت‌های مادی و نمادین تمرکز دارند، منابع دینی سرمایه فرهنگی را دارایی و ظرفیت وجودی و کشش درونی به سوی رشد با دو شاخصه عام معرفت و شریعت دین می‌دانند. این نوع سرمایه فرهنگی، که بر پایه اخلاق، تقوا و معرفت الهی استوار است، نقشی کلیدی در تقویت انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی و فرهنگی، و جهانی‌سازی فرهنگ اسلامی ایفا می‌کند. مطالعات انجام‌شده تأکید می‌کنند که معرفت و شریعت به عنوان دو شاخصه اصلی در شکل‌گیری سرمایه فرهنگی از منظر دینی مطرح هستند و اخلاق و عدالت به عنوان عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. همچنین، ارزش‌های دینی می‌توانند نقشی مؤثر در افزایش تاب‌آوری اجتماعی و تقویت انسجام اجتماعی ایفا کنند. در نهایت، برخی مطالعات به بررسی نقش ارزش‌های دینی در جهانی‌سازی فرهنگ اسلامی و تأثیر آن بر پیشرفت اقتصادی پرداخته‌اند. از این رو، آموزش چندفرهنگی با تأکید بر مفاهیمی چون تسامح، عدالت، دموکراسی، برابری و

اخوت، به عنوان یک عامل مهم در توسعه سرمایه فرهنگی از منظر قرآن و حدیث شناخته می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق:

این پژوهش با رویکرد توصیفی-استنباطی و با استفاده از منابع قرآنی، احادیث انجام شده است. لذا با تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن و احادیث با رویکرد تفسیر موضوعی و همچنین استفاده از منابع حدیثی معتبر (کتب اربعه شیعه و اهل سنت و تفاسیر مرجع) سعی شده است که با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، پاسخ‌های مناسبی برای سوالات تحقیق ارایه گردد.

چارچوب مفهومی و نظری تحقیق:

۱- چستی فرهنگ و معنا کاوی آن

فرهنگ مهمترین وجه تمایز انسان با سایر موجودات و یکی از مفاهیم رایج در علوم اجتماعی است که تعریف‌های زیادی از آن ارائه شده است. لذا در تبیین مفهوم فرهنگ، حجم انبوهی از نظریات و تعاریف متنوع مشاهده می‌شود. سر ادوارد تایلر در کتاب کلاسیک خود با عنوان فرهنگ ابتدایی، فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «مجموعه پیچیده‌ای شامل دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادات دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه اکتساب می‌شود» (Taylor, 1871).

نویسنده‌ای دیگر سه تعریف کلی از فرهنگ ارائه داده است: نخست فرهنگ به منزله فرآیندی عمومی در تکامل و توسعه فکری، معنوی و زیبا شناختی، دوم فرهنگ به منزله شیوه خاص زندگی مردمی خاص یا دورانی خاص و سوم فرهنگ به منزله فرآورده‌های فعالیت فکری و هنری. در ذیل تعریف اول کل فلسفه، اندیشه، هنر و خلاقیت فکری یک عصر یا کشور می‌گنجد، در ذیل مقوله دوم رسوم، آداب، مراسم و مناسک یک قوم یا دوران جای می‌گیرد و در ذیل تعریف سوم شعر و ادبیات و هنرهای مختلف مندرج است (Williams, 1983).

در معنایی گسترده‌تر فرهنگ عبارت از همهٔ فرآورده‌ها و تولیدات انسانی است که در مقابل فرآورده‌ها و تولیدات طبیعت قرار می‌گیرد. حتی اگر این معنا را گسترش بیشتری دهیم، طبیعت نیز جزئی از فرهنگ می‌شود؛ زیرا «طبیعت» به عنوان مفهوم، برداشتی انسانی و انتزاعی است و از اینرو، مانند دیگر پدیده‌های فرهنگی دارای تاریخ است. امروزه از فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای کیفی شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی و تجلیات فکری، ذوقی و عاطفی یاد می‌نمایند که ضامن حیات جوامع انسانی و تمدن بشری است (Pahlavan, 2003).

در اسلام نیز به موضوع فرهنگ اهتمام ویژه‌ای شده است، چرا که فرهنگ جامعه می‌تواند بقا یا سقوط آن جامعه را در پی داشته باشد. قرآن کریم نیز در آیات بسیاری فرجام نیک و بد جوامع پیشین را در نوع فرهنگ‌ها کم بر آنها، که برگرفته از حسن و یا سوء اختیار آنهاست، دانسته است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»؛ «فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است» (روم: ۴۱). قرآن علت دوام و بقای جامعه را حا کیمت یک فرهنگ خوب در قالب اخلاق، باور و ارزشهای نهادینه شده و حاکم بر آحاد آن جامعه تلقی کرده است؛ همانگونه که فرجام سقوط و گسست جوامعی که فرهنگ نهادینه آنها جز ظلم و تباهی نیست (ر.ک: آل عمران: ۱۳۷؛ اعراف: ۸۴؛ یونس: ۷۳؛ نمل: ۱۴ و...). در همین راستا، اسلام با ارائه باورهای اعتقادی، موضوعات و نمادهای عاطفی و رفتارهای اخلاقی و عبادی، در صدد برآمده تا نقشی اساسی در شکل‌گیری فرهنگ جامعه ایفا کند و آن را به گونه‌ای شکل دهد که سعادت دنیوی و اخروی آدمیان را تأمین کند. به تعبیر علامه جعفری (۱۳۸۵، ص ۱۷۰)، فرهنگی که اسلام بنا نهاد «حیات هدفداری است که ابعاد زیبایی جویی، علم‌گرایی، منطق‌طلبی و آرمان‌خواهی انسانها را به شدت به فعالیت رسانده و همه عناصر فرهنگی را شکل می‌دهد».

۲- قرآن و فرهنگ

قرآن بزرگترین هدیه الهی است که خداوند با فرستادن آن توسط پیامبر (ص) بر بشریت منت نهاد؛ زیرا راهنمایی است که به بهترین راه سعادت، رهنمونش می‌سازد (Tabatabai Borujerdi, 1989). هر آنچه بشر نیازمند است بیان کرده (نحل، ۸۹) و نوری است که هیچ گاه خاموش نمی‌شود، چراغی است که شعله آن نمی‌میرد، دریایی است که به اعماق آن نتوان رسید (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)، چشمه جوشان علم و معرفت است برای کسی که آن را بفهمد و درک کند (همان)، ظرایف و عجایبش پایان ندارد (Al-Kulayni, 1986) و اندیشمندان از آن سیر نمی‌شوند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸). حضرت علی علیه السلام، امیر و مولای سخن، درباره قرآن چنین می‌فرماید: «جعلهُ رِيًّا لِعُطْشِ الْعُلَمَاءِ، رِبْعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ وَ مُحَاجًّا لَطَرِيقِ الصِّلْحَاءِ وَ دَوَاءً لَيْسَ بَعْدَهُ دَوَاءٌ وَ نُورًا لَيْسَ مَعَهُ ظِلْمَةٌ.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸)؛ یعنی: خداوند قرآن را مایه سیرابی عالمان، بهار قلبهای فقیهان، راهی روشن برای سلوک صالحان، دارویی که پس از آن دوايي نیست و نوری که با ظلمت همراه نیست، قرار داده است. رسول گرامی اسلام نیز فرمودند: «عليكم بالقرآن، فاتخذوه اماما و قاعدا» (Mohammadi Ray Shahr, 1983)، یعنی: بر شما باد توجه به قرآن! آن را امام پیشوای خویش قرار دهید.

لذا قرآن منشا اصلی فرهنگ اسلامی و سرمایه‌های غنی آن است که در دسترس اصحاب علم و اندیشه قرار دارد که اسباب رشد و تعالی انسان را فراهم می‌آورد. از آنجایی اسلام برای نوسازی جامعه انسانی، دور نگهداشتن انسان از انحرافها و خرافه‌ها و هر گونه پلیدی آمده است، از اینرو بشر را به سوی آداب و رسوم در سایه اعتقادات و اخلاق ارزشی فرا می‌خواند. آیات الهی، با ارائه تصویری کامل از جوامع جاهلیت، نمونه‌ای گویا و رسا از انحطاط فرهنگی را ترسیم می‌کنند و با بیان ویژگیهای چنین اجتماعی، عبرت آموزی آن را برای آیندگان یادآور می‌شوند.

به طور کلی، فرهنگ اسلامی گویای این است که برای خود بودن و برای خود زیستن و در خدمت موجودی ناقص قرار گرفتن، پوچ و بیهوده است، اما برای خدا زیستن و به دیگران اندیشیدن، انسان را به

ارزش حقیقی خود می‌رساند. از نظر اسلام، تقوا و پرهیزکاری در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی، میزان فضیلت و برتری است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات، ۱۳). لذا با توجه به آنچه گذشت و تلفیق جایگاه قرآن و اهمیت بسزای فرهنگ، چنانچه دستورات قرآن در جامعه اسلامی، در جایگاه خویش قرار گیرد و مبنای تفکر، اندیشه سیاسی، اخلاق، روابط اجتماعی و فرهنگ سازی واقع شود، مسلمانان به اوج عزت و سربلندی و غنای فرهنگی می‌رسند و سدی محکم در مقابل تهاجم و انحطاط فرهنگی بیگانگان خواهند بود و همه کمبودهای فرهنگی را بر طرف می‌کنند و عمیقترین اصلاحات فرهنگی را تحقق می‌دهند.

۳- سرمایه فرهنگی با رویکردهای غربی

سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به‌دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، سرمایه‌ای فرهنگی به‌طور دائمی در قلمرو امکانات یک قشر، گروه، طایفه یا قبیله است (Salehi, 2007).

اصطلاح سرمایه فرهنگی در قیاس با سرمایه اقتصادی و نظریات، قوانین و تحلیل‌های مباحث مربوط به سرمایه‌داری در اوایل دهه ۱۹۷۰ رواج یافت. این مفهوم برای بررسی این مسئله که موانع اقتصادی برای تبیین نابرابری‌های موجود در موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف، کافی نیست، ابداع شد. سرمایه فرهنگی بدون کوشش شخصی کسب و به ارث برده نمی‌شود، کسب سرمایه فرهنگی کار طولانی، مداوم و پی‌گیر، یادگیری و فرهنگ‌پذیری را می‌طلبد. کسب سرمایه فرهنگی زمان می‌خواهد و به امکانات مالی و مادی نیاز دارد، سرمایه فرهنگی از این بابت به‌نحوی تنگاتنگ به سرمایه اقتصادی گره خورده و به‌شکل دیگر آن، درآمده است (Yenshuireh et al., 2006).

پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، سرمایه فرهنگی را به عنوان مجموعه‌ای از دارایی‌های غیرمادی که افراد در جامعه کسب می‌کنند، در سه شکل متمایز طبقه‌بندی می‌کند: سرمایه فرهنگی

تجسم‌یافته، شامل دانش، مهارت‌ها و ذوق درونی‌شده فردی است که از طریق تجربیات و اجتماعی شدن به دست می‌آید و به دلیل پیوستگی با فرد، غیرقابل انتقال است. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، دارایی‌های مادی فرهنگی نظیر آثار هنری و کتب را دربرمی‌گیرد که اگرچه قابل انتقال هستند، ارزش آن‌ها وابسته به سرمایه تجسم‌یافته فرد استفاده‌کننده است. سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده، مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های رسمی را شامل می‌شود که ارزش نمادین دارند و در کسب موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی مؤثرند. بوردیو همچنین بر رابطه متقابل این سه نوع سرمایه و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر تأکید دارد، به طوری که سرمایه اقتصادی می‌تواند سرمایه فرهنگی را تقویت کند و بالعکس (Salehi Amiri, 2007).

از منظر کارکردی نیز، همانطور که پیر بوردیو سرمایه فرهنگی را ابزاری برای حفظ یا تغییر موقعیت اجتماعی افراد و تأثیرگذار بر سبک زندگی آنان می‌داند، جان فیسک هم آن را عامل آگاهی انتقادی طبقات فرودست و تقویت هویت اجتماعی مثبت آنان تلقی می‌کند. در مقابل، متفکران ایرانی نظیر چلبی، با فرض توزیع عادلانه سرمایه فرهنگی، کارکردهای آن را در دسترسی برابر به منابع معرفی، خردگرایی، مشارکت همگانی، تسریع تغییرات اجتماعی، گسترش دانش و اطلاعات و رشد شخصیتی افراد جامعه می‌دانند (Chalabi, 2003). از سوی دیگر، رفیع‌پور نیز، سرمایه فرهنگی را میراث گذشتگان می‌داند که امکان رفع نیازها و پیشرفت جامعه را فراهم می‌کند (Pourzarayan, 2010).

۴- سرمایه فرهنگی در نگاه قرآن و حدیث

سرمایه فرهنگی در چارچوب قرآن و تعالیم اسلامی، به مجموعه ارزش‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای مبتنی بر ایمان، تقوا و اخلاق اشاره دارد که فرد و جامعه را به سوی رشد معنوی، اجتماعی و فرهنگی هدایت می‌کند. این مفهوم برخلاف تعاریف صرفاً جامعه‌شناختی (مانند نظریه بوردیو)، علاوه بر ابعاد مادی و نمادین، بر پایه‌های معنوی و ارتباط با خداوند تأکید دارد. قرآن کریم با بیان

«هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)، سرمایه فرهنگی را در گرو تقوا و عمل صالح می‌داند که به عنوان محور هدایت فرد و جامعه عمل میکند. قرآن کریم به عنوان "عهد الهی" و میراث گرانبهای وحی، منبع اصلی سرمایه فرهنگی در جامعه اسلامی به شمار می‌رود. این کتاب آسمانی که خداوند خود نگهبان آن است، برای هدایت نسل‌های بشر در تمام اعصار نازل شده تا آن را بخوانند و بشنوند و دوره رسالت را در درون خود بازآفرینی کنند. قرآن در تفکر اسلامی، تنها یک متن مقدس نیست، بلکه سرمایه‌ای تحول‌آفرین است که می‌تواند جان و جهانی را برآشفته، خراب کرده و دوباره بسازد (Salehi, 2004).

امیرالمؤمنین علی(ع) در سخنی حکیمانه، فقر و غنا را در سطح فرهنگی مورد توجه قرار داده و قرآن را بزرگ‌ترین سرمایه فرهنگی معرفی کرده‌اند (Mahdipur, 2008). این نگاه، اهمیت فوق‌العاده منابع و حیانی را در شکل‌دهی به سرمایه فرهنگی جامعه نشان می‌دهد و نقش آن را فراتر از سایر سرمایه‌ها (مانند سرمایه اقتصادی) می‌داند.

عوامل ایجاد سرمایه فرهنگی در قرآن و احادیث:

۱. سرمایه فرهنگی به عنوان پایه هویت اسلامی

در احادیث، سرمایه فرهنگی به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، سنت‌ها و دانش‌هایی تعریف می‌شود که هویت جامعه اسلامی را شکل می‌دهد. امام صادق(ع) در حدیثی می‌فرماید:

«الْقُرْآنُ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، وَ الْآيَةُ حَيَّةٌ لَا تَمُوتُ» (Al-Kulayni, 1986).

قرآن به عنوان منبع زنده و پویا، همواره هویت اسلامی را تقویت می‌کند. این حدیث نشان می‌دهد که قرآن نه تنها یک کتاب مقدس، بلکه یک منبع فعال برای شکل‌دهی به هویت فرهنگی است.

۲. تقویت همبستگی اجتماعی

سرمایه فرهنگی از طریق ارزش‌ها و سنت‌های مشترک، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. امام علی(ع) در حدیثی می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (Bukhari & Noor, Ahari). لذا بر این اساس، این حدیث بر مسئولیت اجتماعی هر فرد

در قبال جامعه تأکید دارد و نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی با ایجاد حس مسئولیت، انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد.

۳. جهاد فرهنگی و حفظ هویت

جهاد فرهنگی به عنوان یکی از برترین اعمال پس از ایمان، نقش کلیدی در حفظ هویت اسلامی دارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِيمَانِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۵)، (بعد از ایمان، جهاد بالاترین اعمال است). لذا جهاد فرهنگی شامل تلاش برای حفظ و گسترش فرهنگ اسلامی است که به تقویت هویت و انسجام اجتماعی کمک می‌کند.

۴. اخلاق و ارزش‌های فرهنگی

اخلاق نیکو به عنوان یکی از ارکان اصلی سرمایه فرهنگی، نقش مهمی در ایجاد همدلی و تعامل اجتماعی دارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «أَحْسِنُوا أَخْلَاقَكُمْ تَزِدَادُوا فَضْلًا» (Majlisi, 1936)، بهبود اخلاق، موجب افزایش فضیلت فرهنگی و تقویت روابط اجتماعی می‌شود.

۵. آموزش و فرهنگ‌سازی

آموزش و دانش‌افزایی به عنوان پایه فرهنگ‌سازی، نقش مهمی در تقویت هویت و انسجام اجتماعی دارد. امام صادق(ع) در این رابطه می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (Majlisi, 1936)، (کسب دانش، پایه فرهنگ‌سازی است و به تقویت هویت اسلامی و انسجام اجتماعی کمک می‌کند).

ارکان تکوین سرمایه فرهنگی از دیدگاه قرآن و حدیث

سرمایه فرهنگی یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی است که به دارایی‌های معنوی، دانش، ارزش‌ها و باورهایی اشاره دارد که در یک جامعه یا فرد نهادینه شده است که از طریق مختلفی نظیر جامعه و خانواده و غیره می‌تواند کسب و تکوین شود. از دیدگاه اسلامی، سرمایه فرهنگی نه تنها شامل دانش و مهارت‌های علمی است، بلکه شامل تقوا، اخلاق، دین‌داری، و ارزش‌های الهی نیز می‌شود. قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) و اهل سنت، ارکان و بنیان‌های شکل‌گیری سرمایه فرهنگی را با تأکید بر دانش، معرفت، اخلاق، و

۳. اخلاق اجتماعی و مشارکت جمعی

قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) را به عنوان الگوی اخلاقی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)، «و به یقین، تو بر خلقی عظیم هستی». در همین راستا نیز، در حدیث نبوی، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» - «من برای کامل کردن مکارم اخلاقی مبعوث شدم».

از منظر توجه به اجتماع و رعایت اخلاق اجتماعی، قرآن بر مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه هم تأکید دارد: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران: ۱۱۰). در حدیث «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ» (مؤمنان در دوستی، عطف و مهر ورزی نسبت به هم چونان یک پیکرند؛ که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فرا می‌گیرد)، (Ibn Babuyah, 1994) نیز، همبستگی اجتماعی را جزئی از سرمایه فرهنگی دانسته می‌شود.

۴. مبارزه با مادی‌گرایی

قرآن هشدار می‌دهد: «الْهَاجُمُ التَّكَاثُرُ» (تکاثر: ۱)، که طی آن ارزشهای معنوی را بر ثروت اندوزی را مقدم می‌شمارد. در حدیث «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ» (Bukhari & Noor Ahari) هم، ثروت واقعی را در آرامش روحی می‌داند.

۵. خانواده و تربیت صحیح

نقش خانواده در تکوین سرمایه فرهنگی بسیار مهم است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶) - «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش حفظ کنید». در همین رابطه، امام سجاد (ع) در رساله حقوق خود می‌فرماید: «حق فرزندان این است که بدانی او از توست و در دنیا و آخرت به تو منسوب است، پس در تربیت او بکوش.»

۶. عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری

قرآن کریم عدالت را از ارکان اساسی جامعه اسلامی معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) - «همانا خداوند

معنویت ترسیم می‌کند. ارکان به معنای ستون‌ها و پایه‌هایی هستند که یک پدیده یا ساختار بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد و بدون آن‌ها، امکان تحقق آن پدیده وجود ندارد. بنابراین، ارکان تکوین سرمایه فرهنگی، اصول بنیادینی هستند که فرهنگ دینی و اسلامی و سرمایه‌های فرهنگی بر پایه آن‌ها بنا شده و تداوم پیدا می‌کند. در ادامه به برخی از ارکان مهم تکوین سرمایه فرهنگی از منظر قرآن و حدیث اشاره می‌شود.

۱. ایمان، تقوا و خودسازی

ایمان و تقوا از ارکان مهم در تکوین فرهنگ اسلامی و سرمایه فرهنگی به شمار می‌آید. قرآن تقوا را به عنوان «زادگاه معنوی» جامعه مؤمن معرفی می‌کند: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره: ۱۹۷). بر اساس آیه‌ای دیگری از قرآن، «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)، «همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست».

در حدیثی از پیامبر (ص) نیز بیان شده است: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (آن مؤمن ایمانش کاملتر است که اخلاقش نیکوتر باشد) (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۴۶۶)، که بر نقش اخلاق نیکو به عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی تأکید دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعِلْمُ مَعَ الْعَمَلِ، وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ، فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ» - «علم همراه با عمل است، و علم عمل را فرامی‌خواند، اگر پاسخ دهد می‌ماند، وگرنه از بین می‌رود». (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶).

۲. علم و دانش نافع

قرآن کریم تأکید بسیاری بر ارزش علم و دانش دارد و آنرا ابزاری برای تشخیص حق از باطل می‌داند: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟) (زمر: ۹)، که منشاء مهمی برای سرمایه فرهنگی خواهد بود. در همین راستا، در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) «اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (طلب علم بر هر مسلمان واجب است) (Majlisi, 1936)، لذا جستجوی دائمی علم را به عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی مطرح می‌گردد.

شناخت حقیقت، بلکه اساس عبادت الهی و حرکت به سوی سعادت ابدی است.

- قرآن کریم نیز در آیات متعددی بر ارزش عقل و تدبر تأکید دارد. به عنوان مثال در در آیه: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۱۹۰)، «همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت‌وآمد شب و روز نشانه‌هایی برای خردمندان است.»

۳. نظام اخلاقی پایدار

- خداوند در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)، «و قطعاً تو بر خلقی عظیم قرار داری..طبق این آیه، اخلاق پیامبر (ص) به عنوان الگوی کامل انسانی مطرح می‌شود. اخلاق پایدار، اساس تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری سرمایه فرهنگی است. در همین راستا، پیامبر اسلام (ص) نیز در حدیثی فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (موطأ مالک، حدیث ۱۶۱۶)؛ «من برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.»

۴. همبستگی اجتماعی بر محور عبودیت الهی

- خداوند در یکی از آیات قرآنی آورده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید». این آیه تأکید دارد که وحدت اجتماعی بایستی بر اساس ایمان و عبودیت الهی باشد. همبستگی دینی، یکی از ارکان اساسی در تکوین سرمایه فرهنگی اسلامی است، زیرا ارزش‌های مشترک باعث همگرایی و تقویت هویت دینی می‌شوند. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» (Bukhari & Noor Ahari)؛ «مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنایی است که اجزای آن یکدیگر را استحکام می‌بخشند.»

به عدالت و احسان فرمان می‌دهد». پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "سید القوم خادمهم"، «بزرگ‌ترین فرد در میان قوم، خدمتگزار آنان است.» لذا این عناصر نه تنها در رشد فردی بلکه در شکوفایی فرهنگی جوامع اسلامی نقش اساسی دارند. قرآن کریم و احادیث معصومان (ع) تأکید فراوانی بر اهمیت این مؤلفه‌ها داشته و آنان را به‌عنوان مبانی اصلی پیشرفت فرهنگی معرفی کرده‌اند.

عوامل ایجاد سرمایه فرهنگی در قرآن و احادیث

عوامل ایجاد در اینجا به آن دسته از متغیرها و نیروهای گفته می‌شود که باعث ایجاد، رشد و توسعه سرمایه فرهنگی در جامعه می‌شوند. این عوامل لزوماً به‌عنوان پایه‌های ثابت و ذاتی فرهنگ محسوب نمی‌شوند، بلکه می‌توانند به مرور زمان تغییر کنند یا تقویت و تضعیف شوند.

بنابراین، اگرچه دو مفهوم عوامل ایجاد و ارکان تکوین، ارتباط نزدیکی دارند، اما یکی نیستند. با توجه به آنچه بیان شد، ارکان تکوین سرمایه فرهنگی، اصول ثابت و غیرقابل تغییر فرهنگ اسلامی هستند، در حالی که عوامل ایجاد، ابزارها و محرک‌هایی هستند که به رشد و گسترش فرهنگ اسلامی کمک می‌کنند که در ادامه بررسی می‌شود:

۱. عهد الهی و استمرار وحیانی

- قرآن می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹)؛ «ما خود قرآن را نازل کردیم و قطعاً آن را حفظ خواهیم کرد». این آیه بر تداوم وحی و حفظ معارف الهی دلالت دارد. استمرار وحی و نگه‌داری از آن، زمینه‌ساز رشد فرهنگی و انتقال سرمایه فرهنگی در میان نسل‌هاست.

۲. عقل و خردورزی توحیدی

در حدیثی از امام علی (ع) نقل شده است که: «العقل ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» (غررالحکم، حدیث ۱۲۷)، «عقل آن چیزی است که به وسیله آن خداوند عبادت شود و بهشت کسب گردد. لذا می‌توان دریافت که در آموزه‌های دینی، عقل یکی از پایه‌های اصلی شناخت و ایمان است. تفکر و خردورزی، نه فقط ابزار

تفاوت سرمایه فرهنگی از منظر قرآن/حدیث و

جامعه‌شناسی

۱. تفاوت در مبانی هستی‌شناختی

الف- از منظر قرآن و حدیث

- خاستگاه الهی: در نگاه دینی، سرمایه فرهنگی منشأ الهی دارد و با وحی مرتبط است. قرآن به عنوان «ثقل اکبر» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) و «مائه آسمانی» منبع اصلی سرمایه فرهنگی است و هدایتگر جوامع انسانی محسوب می‌شود.
- جاودانگی و ثبات: قرآن به صراحت تأکید می‌کند که پیام فرهنگی آن فراتر از زمان و مکان است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹). این بدان معناست که ارزش‌های فرهنگی برگرفته از وحی، در برابر تغییرات تاریخی مقاوم هستند و به عنوان مبانی ثابت فرهنگ اسلامی باقی می‌مانند.
- تقدس و هدایتگری: در نظام اسلامی، سرمایه فرهنگی نه تنها مجموعه‌ای از دانش و مهارت‌هاست، بلکه شامل ارزش‌های معنوی، اخلاقی و دینی است که هدایتگر انسان به سوی سعادت دنیا و آخرت است.

ب- جامعه‌شناسی (دیدگاه بوردیو)

- ساختار انسانی و اجتماعی: در جامعه‌شناسی، سرمایه فرهنگی مفهومی کاملاً انسانی دارد و از طریق «تعاملات اجتماعی»، «بازتولید نهادهای آموزشی» و «شرایط طبقاتی» شکل می‌گیرد (Fathi & Dehghanpour, 2020).
- تغییرپذیری و پویایی: برخلاف نگاه دینی که سرمایه فرهنگی را پایدار و جاودانه می‌داند، بوردیو فرهنگ را به عنوان یک «بازار پویا» در نظر می‌گیرد که تحت تأثیر نیروهای رقابتی، اجتماعی و اقتصادی دائماً در حال تغییر است (Hasanzadeh & Qasemi, 2016).
- سرمایه‌داری فرهنگی: در نگاه جامعه‌شناسی، فرهنگ نوعی سرمایه است که قابلیت تبدیل به دیگر اشکال سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و نمادین) را دارد و ابزار مهمی در «بازتولید نابرابری‌های اجتماعی» محسوب می‌شود (Fathi & Dehghanpour Farashah, 2020).

۲. تفاوت در اهداف

با توجه به مباحث مطروحه، این تفاوت‌ها را می‌توان به شرح زیر خلاصه و ارایه نمود.

جدول ۱. تفاوت در اهداف سرمایه فرهنگی از منظر قرآن/حدیث و جامعه‌شناسی

معیار	قرآن/حدیث	جامعه‌شناسی
هدف غایی	قرب الهی و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» (حمد: ۵)	کسب «منزلت اجتماعی» و «قدرت نمادین» (Farhadi, 2019)
شاخص موفقیت	تقوا: «إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)	مدارک تحصیلی و تسلط بر کالاهای فرهنگی (Qasemi, 2005)

۳. تفاوت در منابع و انتقال سرمایه فرهنگی

الف) قرآن و حدیث

- منبع وحیانی و دینی: سرمایه فرهنگی در اسلام از وحی، احادیث، سنت پیامبر (ص) و سیره اهل بیت (ع) نشأت می‌گیرد. امام علی (ع) می‌فرماید: «العلم سلطان، من وجده صال به، و من لم یجده صیل علیه» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶).

- انتقال از طریق تعلیم و تزکیه: در اسلام، انتقال سرمایه فرهنگی نه فقط از طریق آموزش، بلکه از راه «تزکیه نفس» و پیروی از الگوهای الهی انجام می‌شود: «يُزَكِّيهِمْ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲).

ب) جامعه‌شناسی

- انتقال از طریق نهادهای آموزشی و اجتماعی: در نظریه بوردیو، آموزش رسمی، رسانه‌ها و خانواده مهم‌ترین ابزارهای انتقال سرمایه فرهنگی هستند.
- سرمایه فرهنگی اکتسابی و ارثی: در حالی که در قرآن کسب دانش و سرمایه فرهنگی نیازمند «تلاش معنوی» است، در جامعه‌شناسی، سرمایه فرهنگی می‌تواند به صورت ارثی و از طریق تربیت طبقاتی منتقل شود.

چالش‌های معرفتی و فکری در تکوین سرمایه فرهنگی

۱- تعطیلی عقل و استبداد فکری

یکی از مهم‌ترین چالش‌های تکوین سرمایه فرهنگی از منظر قرآن و حدیث، "تعطیلی عقل و اندیشه" است. در آموزه‌های اسلامی، عقل به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای شناختی بشر معرفی شده است که انسان را به سوی حقیقت رهنمون می‌سازد. قرآن کریم بارها به تفکر، تعقل و تدبیر دعوت کرده و کسانی که از عقل خود استفاده نمی‌کنند را مورد نکوهش قرار داده است. در آیه ۱۰ سوره ملک می‌خوانیم: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»، و گفتند: اگر می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم، در زمره دوزخیان نبودیم». این آیه تأکید می‌کند که فقدان تعقل و بهره‌نبردن از نیروی تفکر، زمینه‌ساز انحراف و سقوط انسان است. در همین رابطه در حدیثی از امام علی (ع) نیز، تعطیل کردن عقل به ظلم فرهنگی تعبیر شده است: «لَا فُقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْعَقْلِ» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴)، «هیچ فقری مانند جهل نیست و هیچ پشتیبانی مانند عقل وجود ندارد». در این نگاه، جامعه‌ای که سرمایه فرهنگی خود را بر مبنای تفکر و تعقل بنا نکند، در معرض فقر فرهنگی قرار خواهد گرفت و زمینه‌های رشد و تعالی آن نابود خواهد شد.

همچنین، یکی دیگر از چالش‌های معرفتی در این حوزه، "استبداد فکری" و "عدم مشاوره و همفکری" است. قرآن کریم به اهمیت مشورت و گفت‌وگو در مدیریت اجتماعی و رشد فرهنگی اشاره دارد. در آیه ۳۸ سوره شوری آمده است: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»، و کسانی که ندای

پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند». در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهُمْ فِي عُقُولِهِا»، (Majlisi, 1936). «هر کس در کارهای خود استبداد بورزد، نابود خواهد شد و هر کس مشورت کند، در عقل دیگران شریک خواهد شد».

بنابراین، عقلانیت و گفت‌وگو علمی، نه تنها از عناصر اساسی سرمایه فرهنگی محسوب می‌شوند، بلکه پشتوانه‌ای محکم برای پیشرفت جوامع اسلامی به شمار می‌روند.

۲- انکار قدرت شناخت عقل و وحی آسمانی

یکی دیگر از چالش‌های اساسی در تکوین سرمایه فرهنگی، انکار قدرت شناخت و توان تشخیص عقل است. برخی جریان‌ها با زیر سؤال بردن کارکردهای عقل، زمینه‌های گمراهی را فراهم کرده و جامعه را از مسیر معرفتی صحیح منحرف می‌سازند. قرآن کریم در آیه ۲۲ سوره انفال نسبت به چنین افرادی هشدار داده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»، «بدترین جنبندها نزد خدا کسانی هستند که کر و لال‌اند [و حقیقت را نمی‌شنوند و نمی‌گویند] و تعقل نمی‌کنند». این آیه نشان می‌دهد که بی‌توجهی به عقل و درک حقیقت، انسان را در زمره بی‌ارزش‌ترین مخلوقات قرار می‌دهد.

همچنین، انکار وحی آسمانی و جایگزین کردن آن با عرفان‌های کاذب زمینی، یکی دیگر از آسیب‌های اساسی در مسیر شکل‌گیری سرمایه فرهنگی است. در آیه ۳۶ سوره اسراء می‌خوانیم: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» و از چیزی که به آن علم نداری، پیروی مکن».

در دنیای امروز، بسیاری از افراد بدون آگاهی و شناخت صحیح، به مکاتب فکری نامعتبر روی آورده و وحی را کنار می‌گذارند. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی هشدار می‌دهند: «سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ...»، (کنز العمال، حدیث ۲۹۴۰۴)، «زمانی بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز خط آن و از اسلام جز نام آن باقی نمی‌ماند». این حدیث، بیانگر خطری است

که از جانب انحرافات فکری و تضعیف نقش وحی آسمانی، سرمایه فرهنگی جوامع را تهدید می‌کند. بنابراین، یکی از راه‌های مقابله با این چالش، تقویت معرفت قرآنی، تعمیق آگاهی دینی، و توسعه عقلانیت و حیانی است.

لذا اسلام، جامعه‌ای را مطلوب می‌داند که در آن عقل و وحی همسو با یکدیگر مسیر رشد و تکامل را هموار سازند. تنها در چنین جامعه‌ای است که فرهنگ اصیل، ریشه‌دار و پایدار خواهد ماند و زمینه‌ساز تمدن‌سازی خواهد شد.

چالش‌های ارزشی و اخلاقی

۱. بیماری‌های چهارگانه فرهنگی: کفر، نفاق، غی و ضلال

یکی از موانع اساسی در شکل‌گیری سرمایه فرهنگی اصیل، وجود بیماری‌های چهارگانه فرهنگی است که در آموزه‌های قرآنی و حدیثی به آن‌ها پرداخته شده است. این بیماری‌ها شامل کفر (انکار حق)، نفاق (دورویی و دوگانگی در اعتقاد)، غی (انحراف از مسیر هدایت)، و ضلال (گمراهی و دوری از صراط مستقیم) هستند. این موانع درونی، باعث انحراف ارزش‌های فرهنگی شده و مسیر رشد تمدنی جامعه را مسدود می‌کنند. در همین رابطه، طبق آیه شریفه: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يَرْدُ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلًا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»، «و خدا شما را آفرید، سپس شما را می‌میراند و برخی از شما به پست‌ترین مرحله زندگی بازگردانده می‌شوند تا پس از دانستن، چیزی ندانند. همانا خدا دانا و تواناست.» (نحل، آیه ۷۰)؛ می‌توان دریافت که این آیه اشاره به وضعیتی دارد که در آن، فرد پس از برخورداری از علم و معرفت، دچار تنزل و انحطاط می‌شود. در سطح اجتماعی نیز زمانی که جامعه‌ای دچار کفر، نفاق، غی و ضلال شود، سرمایه فرهنگی آن تحلیل رفته و راه هدایت و رشد فرهنگی بسته خواهد شد.

در همین رابطه، امام علی (ع) نیز در بیان اثرات این بیماری‌های فرهنگی فرمودند: «الْكُفْرُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى التَّعَمُّقِ وَ التَّنَازُعِ وَ الزَّيْغِ وَ الشَّقَاقِ؛ فَمَنْ تَعَمَّقَ لَمْ يَنْبُ إِلَى الْحَقِّ، وَ مَنْ نَازَعَ فِي الْحُجَجِ عَمِيَ عَنِ الْحَقِّ، وَ مَنْ زَاغَ حَسَدًا، وَ مَنْ شَقَّ عَصَا الْمُسْلِمِينَ فَقَدْ

كَفَرَ»، «کفر بر چهار پایه استوار است: غوطه‌وری در شک‌ها، نزاع در حجت‌ها، انحراف از مسیر هدایت، و دشمنی و ستیز؛ پس کسی که در شک فرو رود، هرگز به حق باز نمی‌گردد، کسی که در حجت‌ها نزاع کند، از دیدن حق ناتوان خواهد شد، کسی که منحرف شود، گرفتار حسد می‌شود، و کسی که جماعت مسلمین را دچار تفرقه کند، کافر شده است.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۷).

لذا این بیماری‌های فرهنگی، ریشه‌های فکری و ارزشی یک جامعه را سست نموده و مانع از رشد سرمایه فرهنگی آن می‌شود. مقابله با این چالش‌ها نیازمند بازگشت به آموزه‌های وحیانی، تعقل و پرهیز از اختلافات یهوده است.

۲. اهانت به منابع و شخصیت‌های فرهنگی

یکی دیگر از موانع شکل‌گیری سرمایه فرهنگی، اهانت به پیامبران، ائمه اطهار، عالمان دینی و اندیشمندان صالح است. تاریخ نشان داده است که جریان‌های معاند، همواره در تلاش بوده‌اند تا با تخریب شخصیت‌های هدایتگر، جامعه را از دسترسی به منابع فرهنگی اصیل محروم کنند. این اقدام، نه تنها موجب تضعیف ارزش‌های فرهنگی جامعه می‌شود، بلکه روند انتقال و توسعه سرمایه فرهنگی را مختل می‌کند. در همین رابطه، آیه شریفه: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا»، می‌فرماید «و هنگامی که به آنان گفته شود: بیایید به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر، منافقان را می‌بینی که از توری می‌گردانند و سخت دوری می‌کنند» (سوره نساء، آیه ۶۱). این آیه به روشنی بیان می‌کند که منافقان همواره تلاش می‌کنند با رویگردانی از پیامبر و تحقیر او، مانع از پذیرش آموزه‌های الهی شوند. این رویکرد، همان راهبردی است که در هر دوره‌ای برای تضعیف منابع فرهنگی اصیل به کار گرفته شده است.

در همین رابطه، امام جعفر صادق (ع) نیز می‌فرمایند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»؛ «هرگاه بدعت‌ها در میان امت من آشکار شود، بر عالم است که علم خود را آشکار کند، و گرنه لعنت خدا بر او باد» (Al-Kulayni, 1986).

لذا بی‌احترامی به عالمان دینی و حاملان معرفت و حیانی، به تضعیف گفتمان دینی و فرهنگی در جامعه می‌انجامد. این امر، امکان بهره‌مندی از منابع اصیل فرهنگی را از مردم سلب کرده و جامعه را به سمت جهل و انحراف فرهنگی سوق می‌دهد.

چالش‌های اجتماعی

۱. تبلیغات دروغین و تحریف تاریخ

تبلیغات دروغین و تحریف روایت‌های تاریخی، به عنوان یکی از مخرب‌ترین چالش‌های تکوین سرمایه فرهنگی، با ایجاد شکاف در درک عمومی از میراث دینی و فرهنگی، موجب انحراف فکری و گسست از هویت جمعی می‌شود. قرآن کریم با اشاره به آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۴۲)، هرگونه آمیختن حق با باطل و کتمان حقیقت را محکوم می‌کند. این آیه به وضوح نشان می‌دهد که تحریف تاریخ نه تنها اعتماد عمومی را سلب می‌کند، بلکه پایه‌های سرمایه معرفتی جامعه را متزلزل می‌سازد. امام علی(ع) در نهج البلاغه هشدار می‌دهند: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبَدِّلُ، يَخَالِفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ» (خطبه ۵۰)، که بر پیوند ناگسستنی بین پیروی از هوس‌ها، ایجاد بدعت‌ها و فروپاشی فرهنگی تأکید دارد. تحلیل این چالش نشان می‌دهد که تحریف تاریخ، سرمایه نمادین جامعه (مانند اسطوره‌ها و الگوهای دینی) را هدف قرار می‌دهد و با جایگزینی روایت‌های جعلی، امکان انتقال ارزش‌های اصیل به نسل‌های آینده را از بین می‌برد. لذا قرآن و نهج البلاغه هشدار داده‌اند که این امر زمینه‌ساز فتنه و انحراف خواهد شد.

۲- سکوت در برابر بدعت‌ها

عدم مواجهه و سکوت در برابر بدعت‌ها و انحرافات فکری، به نهادهای سازگار با آموزه‌های دینی منجر شده و اصالت فرهنگی جامعه را تهدید می‌کند. قرآن کریم در آیه «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ» (اعراف: ۸۶)، هرگونه تلاش برای منحرف کردن مردم از مسیر حق را تقبیح می‌کند. این آیه، سکوت در برابر تحریفات را به مثابه

مشارکت در انحراف فرهنگی تفسیر می‌کند. امام حسین(ع) نیز در تبیین فلسفه قیام عاشورا فرمودند: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتْ» (لهورف، ص ۹۱)، که نشانگر نقش فعالانه ائمه در مقابله با بدعت‌ها و احیاگرایی فرهنگی است. از منظر سرمایه فرهنگی، سکوت در برابر بدعت‌ها به معنای از دست دادن سرمایه نهادی (مانند قوانین و ساختارهای دینی) است که جامعه را در برابر هجمه‌های فکری آسیب‌پذیر می‌سازد.

۳- تمجید اشخاص و نهادهای فاقد صلاحیت

تمجید افراد فاقد صلاحیت عقیدتی و اخلاقی، معیارهای فرهنگی را مخدوش کرده و مسیر هدایت جامعه را به انحراف می‌کشانند. قرآن کریم در آیه «وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» (کهف: ۲۸)، پیروی از افراد غافل از ذکر الهی را نفی می‌کند. این آیه بر لزوم تشخیص رهبران شایسته برای حفظ سرمایه اجتماعی (اعتماد عمومی) تأکید دارد. امام علی(ع) در غرر الحکم هشدار می‌دهند: «إِذَا مُدِحَ الْفَاجِرُ أُنْزَجَرَ الْمُؤْمِنُ وَاجْتَرَأَ الْفَاجِرُ» (حدیث ۱۰۲۷۱)، که نشان می‌دهد ستایش ناروای ناشایستگان، نه تنها جایگاه ارزش‌های اخلاقی را تضعیف می‌کند، بلکه جرئت فساد را در جامعه افزایش می‌دهد. این چالش، سرمایه نمادین (الگوهای رفتاری) را هدف قرار می‌دهد و با ایجاد الگوهای کاذب، جامعه را از مسیر تکامل فرهنگی دور می‌سازد.

لذا این چالش‌ها در کنار یکدیگر، سه لایه از سرمایه فرهنگی؛ معرفتی، نهادی و نمادی، را تهدید می‌کنند. قرآن و احادیث با ارائه راهکارهایی مانند «امر به معروف و نهی از منکر» (آل عمران: ۱۱۰) و تقویت «تقوا» به عنوان محور خودسازی، چارچوبی جامع برای مقابله با این تهدیدات ارائه می‌دهند. به عنوان مثال، مبارزه با تحریف تاریخ مستلزم بازخوانی انتقادی متون دینی (سرمایه معرفتی) است، مقابله با بدعت‌ها نیازمند تقویت نهادهای دینی (سرمایه نهادی) است، و جلوگیری از تمجید ناشایستگان، وابسته به ترویج الگوهای اخلاقی (سرمایه نمادین) است. این رویکرد، نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی

در اسلام نه یک مفهوم ایستا، بلکه فرایندی پویا است که با مشارکت فعال جامعه در حفظ و بازتولید ارزش‌ها تحقق می‌یابد.

چالش‌های فکری و اعتقادی رشد و پویایی سرمایه فرهنگی

۱. سطحی‌نگری و ظاهرگرایی در فهم دین

سطحی‌نگری در فهم دین، با محدود کردن آموزه‌های الهی به ظواهر و تشریفات، سرمایه معرفتی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. قرآن کریم با پرسشگری انتقادی می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴)، که نشان می‌دهد تدبّر و درک عمیق مفاهیم دینی، شرط ضروری شکل‌گیری فرهنگ اصیل اسلامی است. پیامبر اکرم (ص) نیز هشدار می‌دهند: «رُبَّ قَارِئٍ لِلْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ»^(۱)، ای بسا قرآن خوانی که قرآن لعنتش می‌کند (Majlisi, 1936)، اشاره به این واقعیت که تکیه بر ظواهر بدون درک باطن، نه تنها سودمند نیست، بلکه ممکن است به تحریف معنوی بینجامد. این چالش، با تبدیل دین به «قالبی خشک»، امکان پویایی فرهنگی و پاسخگویی به نیازهای نوین جامعه را از بین می‌برد و سرمایه نمادین (مانند نمادهای دینی) را به ابزاری ایستا تقلیل می‌دهد.

۲. ترویج روحیه تقلید کورکورانه

تقلید بدون آگاهی، به عنوان مانعی جدی در مسیر سرمایه عقلانی جامعه، موجب انفعال فکری و پذیرش غیرانتقادی باورها می‌شود. قرآن کریم با اشاره به رفتار مشرکان می‌فرماید: «بَلْ تَتَّبِعُهُ مَا الْغَيْبُ عَلَيْهَ أَبَاطًا» (بقره: ۱۷۰)، که نقد صریحی بر پیروی کورکورانه از سنت‌های نادرست است. امام علی (ع) نیز در غررالحکم تأکید می‌کنند: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا» (حدیث ۸۹۵۲)، نشان می‌دهد جهل و عدم تحقیق، دشمنی با حقیقت را در پی دارد. این چالش، سرمایه فرهنگی را از مسیر «عقلانیت دینی» خارج کرده و جامعه را در دام جمود فکری گرفتار می‌سازد. تقلید کورکورانه، نه تنها مانع نوآوری فرهنگی می‌شود، بلکه سرمایه نهادی (مانند نظام آموزشی) را نیز از کارکرد اصلی خود، یعنی تربیت نسل پرسشگر، دور می‌کند.

۳. گسترش نفاق و دوگانگی فرهنگی

نفاق به عنوان «شکاف بین گفتار و کردار»^(۲)، سرمایه اجتماعی (اعتماد عمومی) را ویران می‌کند و جامعه را به سمت انشقاق فرهنگی سوق می‌دهد. قرآن کریم با بیان «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» (نساء: ۱۴۵)، شدت خطر این پدیده را در فروپاشی اخلاق جمعی نشان می‌دهد. پیامبر (ص) نیز در حدیثی سه‌گانه نفاق را توصیف می‌کنند: «إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ...» (صحیح بخاری، حدیث ۳۳)، که بر نقش دروغ، خلف وعده و خیانت به عنوان عوامل تضعیف فرهنگ تأکید دارد. این چالش، سرمایه نمادین (الگوهای رفتاری) را هدف قرار می‌دهد؛ چرا که نفاق، الگوهای دوگانه را نهادینه می‌کند و جامعه را از وحدت رویه اخلاقی محروم می‌سازد.

۴. سستی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر

کمرنگ شدن این فریضه، سرمایه نهادی جامعه (قوانین و ساختارهای نظارتی) را تضعیف کرده و زمینه را برای رواج انحرافات فرهنگی فراهم می‌کند. قرآن کریم با معرفی امت اسلامی به عنوان «خَيْرَ أُمَّةٍ» (آل عمران: ۱۱۰)، شرط این برتری را التزام به امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. امام حسین (ع) نیز در تبیین فلسفه قیام عاشورا فرمودند: «لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ... أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ» (لهوف)، که نشان می‌دهد این فریضه، محور اصلاحات فرهنگی است. غفلت از این مسئولیت، نه تنها سرمایه اخلاقی جامعه را تحلیل می‌برد، بلکه سرمایه اجتماعی (همبستگی جمعی) را نیز از بین می‌برد.

راهکارهای قرآنی و حدیثی برای غلبه بر چالش‌های سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی یکی از عوامل کلیدی در توسعه جوامع انسانی است که دسترسی به دانش، ارزش‌های اجتماعی و الگوهای فرهنگی را شامل می‌شود. از دیدگاه امام علی (ع)، مشکل اصلی بشریت، نه مشکل اقتصادی، بهداشتی یا صنعتی، بلکه مشکل فرهنگی و فرهنگ مشکل‌آفرین است. از اینرو فقر واقعی بشریت، فقر بینش قرآنی و انبیائی است. این نگاه، اهمیت توجه به چالش‌های فرهنگی و تلاش برای رفع آن‌ها را آشکار می‌سازد.

از دیدگاه دینی، قرآن و احادیث اسلامی راهکارهای متعددی را برای تقویت و توزیع عادلانه سرمایه فرهنگی ارائه کرده‌اند. این راهکارها بر اساس چالش‌های گوناگون معرفتی، فکری، اعتقادی، ارزشی، اخلاقی، اجتماعی، هستند که چهار رکن اساسی سرمایه فرهنگی؛ معرفتی، عقلانی، اجتماعی و نهادی را هدف قرار می‌دهند. یکی از مهم‌ترین راهکارهای مطرح‌شده در متون دینی، تقویت دانش و معرفت دینی به‌عنوان زیربنای سرمایه فرهنگی است. قرآن کریم برتری اهل دانش را به کرات مورد تأکید قرار داده است. یکی از آیاتی که بر این موضوع دلالت دارد، آیه ۱۱ سوره مجادله است: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»؛ «خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم یافته‌اند، درجاتی بلند می‌گرداند». این آیه نشان می‌دهد که دانش نه تنها یک ارزش ذاتی دارد، بلکه باعث ارتقای جایگاه انسان در پیشگاه الهی و در جامعه می‌شود. این نکته در تحلیل جامعه‌شناختی نیز تأیید شده است، زیرا جوامعی که سرمایه فرهنگی بالاتری دارند، معمولاً از نظر توسعه اجتماعی و اقتصادی نیز پیشرفته‌تر هستند. در کنار این آموزه قرآنی، امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «العلم سلطان، من وجده صال به، ومن لم يجده صيل عليه». (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۸). دانش قدرت است؛ هر کس آن را به دست آورد، پیروز خواهد شد، و هر کس از آن محروم بماند، بر او غلبه خواهند کرد. این حدیث بر بُعد اجتماعی و سیاسی دانش تأکید دارد و نشان می‌دهد که در نبود سرمایه فرهنگی، افراد و جوامع به راحتی دچار استثمار و انحطاط خواهند شد. بنابراین، از دیدگاه اسلامی، دانش و معرفت دینی نه تنها یک امر فردی، بلکه عاملی سرنوشت‌ساز برای استقلال و عزت جامعه محسوب می‌شود. این موضوع در مباحث مدرن توسعه فرهنگی نیز مورد تأکید قرار دارد، چراکه دسترسی به آموزش و آگاهی، راهی برای کاهش نابرابری‌ها و تقویت ظرفیت‌های اجتماعی است. دومین راهکار قرآنی و حدیثی، عدالت در توزیع دانش و سرمایه فرهنگی است که یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی است که در آیات

متعددی از قرآن و روایات اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند در آیه ۷ سوره حدید می‌فرماید: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ»؛ «به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین آن گردانیده، انفاق کنید». این آیه تنها به مال و ثروت مادی محدود نمی‌شود، بلکه هر نعمتی که انسان در اختیار دارد، از جمله دانش و فرهنگ، امانتی از جانب خداوند است که باید به صورت عادلانه در جامعه توزیع شود. در این راستا، امام باقر (ع) می‌فرماید: «زَكَاتُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ» (Al-Kulayni, 1986)؛ «زکات دانش این است که آن را به کسی که نمی‌داند، بیاموزی».

این روایت به روشنی بیان می‌کند که دانایی نباید در انحصار گروهی خاص باقی بماند، بلکه باید میان تمامی افراد جامعه توزیع شود. این مسئله در جامعه‌شناسی مدرن نیز مورد تأکید است، زیرا عدم توزیع عادلانه سرمایه فرهنگی می‌تواند منجر به شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی شود. از نگاه اسلامی، هر فردی که به دانش دسترسی دارد، وظیفه دارد که آن را در اختیار دیگران نیز قرار دهد، تا زمینه رشد و تعالی اجتماعی برای همه فراهم شود.

راهکار دیگر، بهره‌گیری از الگوهای الهی و تربیتی در انتقال فرهنگ صحیح است. قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره احزاب، پیامبر اسلام (ص) را به عنوان الگویی شایسته معرفی کرده و می‌فرماید: «كَفَلَدَ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ «همانا در وجود پیامبر (ص) برای شما الگویی نیکو است». این آیه بیانگر آن است که فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی باید بر اساس الگوهای الهی و شخصیت‌های برجسته دینی شکل گیرد. از همین رو، امام صادق (ع) در حدیثی تأکید دارند: «كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّتِّمْ» (Al-Kulayni, 1986)؛ «مردم را با غیر از زبانتان به دین دعوت کنید». این حدیث نشان می‌دهد که تأثیرگذاری فرهنگی بیش از آنکه بر تبلیغات زبانی متکی باشد، باید از طریق رفتار و عملکرد صورت گیرد. این نکته در تحلیل‌های جامعه‌شناختی نیز مورد توجه قرار گرفته است، اما در نگاه دینی،

تأکید بیشتری بر الگوسازی مبتنی بر اخلاق و عمل صالح دیده می‌شود.

مبارزه با انحصارطلبی فرهنگی و ایجاد فرصت‌های برابر از دیگر راهکارهای مهمی است که در منابع اسلامی به آن اشاره شده است. قرآن کریم در آیه ۳۸ سوره مدثر بیان می‌دارد: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ»؛ هر انسانی در گرو اعمال خویش است. این آیه نشان‌دهنده آن است که هر فرد باید بر اساس تلاش خود به سرمایه‌های فرهنگی و علمی دست یابد و هیچ گروهی نباید برتری انحصاری در این زمینه داشته باشد. پیامبر اکرم (ص) نیز در حدیثی فرمودند: «إِنَّمَا النَّاسُ كَالْبِلِّ مَائَةٍ، لَا تَكَادُ تَجِدُ فِيهَا رَاحِلَةً» (Bukhari & Noor Ahari)؛ مردم همانند صد شتر هستند که به‌سختی می‌توان در میان آن‌ها یک شتر شایسته برای سفر یافت. این حدیث به این نکته اشاره دارد که افراد شایسته در جامعه کم‌اند و برای افزایش تعداد آن‌ها باید زمینه‌های رشد و پرورش استعدادها و فرهنگی فراهم شود. از این رو، سیاست‌های فرهنگی جوامع اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شوند که همه افراد، صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی و اقتصادی‌شان، امکان بهره‌مندی از سرمایه‌های فرهنگی را داشته باشند.

در نهایت، قرآن و احادیث با ارائه راهکارهایی مانند «امر به معروف و نهی از منکر» (آل عمران: ۱۱۰) و تقویت «تقوا» به عنوان محور خودسازی، چارچوبی جامع برای مقابله با پاره‌ای از تهدیدات فرهنگی ارائه می‌دهند. به عنوان مثال، مبارزه با تحریف تاریخ مستلزم بازخوانی انتقادی متون دینی (سرمایه معرفتی) است، مقابله با بدعت‌ها نیازمند تقویت نهادهای دینی (سرمایه نهادی) است، و جلوگیری از تمجید ناشایستگان، وابسته به ترویج الگوهای اخلاقی (سرمایه نمادین) است.

این رویکردهای مختلف نشان می‌دهند که سرمایه فرهنگی در اسلام، می‌تواند با تدبیر و تدبیر در قرآن و احادیث و بازتعریف آموزش دینی بر اساس سرمایه معرفتی و تقویت سرمایه نمادین از طریق الگوهای رفتاری یکپارچه می‌تواند بهبود و تقویت گردد. این رویکرد، نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی در اسلام، نه یک مجموعه ایستا، بلکه فرآیند

و پروژه‌ای پویا است که با مشارکت فعالانه جامعه در بازتولید ارزش‌ها تحقق می‌یابد. این اصول، اگر به‌درستی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی جوامع اسلامی به کار گرفته شوند، می‌توانند زمینه‌ساز رشد فکری و فرهنگی همه اقشار جامعه شوند و چالش‌های مرتبط با سرمایه فرهنگی را به حداقل برسانند.

نتیجه‌گیری

سرمایه فرهنگی در جوامع اسلامی بر پایه اصول و ارزش‌های دینی شکل می‌گیرد و نقش بسزایی در ایجاد همبستگی اجتماعی و ارتقای سطح توسعه ایفا می‌کند. با توجه به چالش‌های پیش‌رو، بازتعریف این مفهوم براساس قرآن و حدیث و ارائه راهکارهای عملی برای تقویت آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، چراکه این سرمایه در نگرش قرآنی و احادیث دینی تفاوت‌های اساسی درمبانی هستی‌شناختی، اهداف و منابع و انتقال سرمایه فرهنگی از منظر جامعه‌شناسی غربی دارد.

نتایج حاصل از بررسی چالش‌های تکوین سرمایه فرهنگی از منظر قرآن و حدیث در این مطالعه، نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش و موانع رشد سرمایه فرهنگی در جوامع اسلامی، در چهار حوزه معرفتی-فکری (مانند تعطیلی عقل و استبداد فکری)، ارزشی-اخلاقی (نظیر نفاق و کفر)، اجتماعی (از جمله تحریف تاریخ و ترویج الگوهای ناشایست) و فکری-اعتقادی (سطحی‌نگری در فهم دین) ریشه دارد. این چالش‌ها نه تنها اصالت فرهنگی را تهدید می‌کنند، بلکه جامعه را از دستیابی به الگوی تمدنی مبتنی بر هدایت الهی بازمی‌دارند. در مقابل، آموزه‌های قرآنی و حدیثی با ارائه راهکارهایی مانند تقویت دانش و معرفت دینی، تقویت اخلاق اجتماعی، عدالت در توزیع دانش و سرمایه فرهنگی، بهره‌گیری از الگوهای الهی و تربیتی در انتقال فرهنگ صحیح، مبارزه با انحصارطلبی فرهنگی و ایجاد فرصت‌های برابر و نهایتاً امر به معروف و نهی از منکر، چارچوبی جامع برای خروج از این بحران‌ها ارائه می‌دهند. محوریت این راهکارها بر تقوا، عدالت، و مسئولیت‌پذیری جمعی استوار است که در تقابل با رویکردهای سکولار، فرهنگ و

بازتعریف آن در پرتو الزامات جهان معاصر ممکن است. در این مسیر، سرمایه فرهنگی در اسلام به عنوان پروژه‌ای زنده و تکاملی، تنها در سایه مشارکت فعال جامعه و التزام به هدایت الهی به ثمر می‌نشیند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The development of cultural capital from the perspective of the Qur'an and Hadith encompasses a multidimensional concept that not only informs personal identity and social cohesion but also serves as a foundational structure for civilization-building within Islamic societies. Cultural capital, in this context, is understood not merely as symbolic or cognitive assets transmitted through educational and familial institutions, but as a divinely endowed repository of spiritual guidance that shapes ethical behavior, intellectual maturity, and collective moral consciousness. From a theological viewpoint, cultural capital stems from the dual sources of Qur'an (Thaqal Akbar) and Ahl al-Bayt (Thaqal Asghar), constituting the immutable core of Islamic thought and civilization. The teachings of Imam al-Sadiq highlight the vitality and continuity of the Qur'an, describing it as a living entity that continually admonishes and enlightens its reader (Al-Kulayni, 1986). Cultural capital, in this framework, is intricately interwoven with principles such as unity, brotherhood, justice, and social cooperation. Its development is vital for counteracting the disruptive forces of modern secular influences, technological change, and cultural imperialism that have progressively eroded the Islamic ethos in recent decades. Thus, the current research employs a descriptive-inferential methodology rooted in thematic exegesis of Qur'anic verses and Hadiths to identify the

سرمایه فرهنگی را نه ابزاری برای قدرت‌طلبی، بلکه مسیری برای تقرب به خدا و تحقق جامعه‌ای عادلانه تعریف می‌کند.

لذا در جهان امروز، کاربست این یافته‌ها مستلزم دو اقدام کلیدی است: نخست، بازخوانی انتقادی متون دینی با رویکردی پاسخگو به نیازهای نوین، بدون افتادن در دام تحجر یا سطحی‌گرایی؛ و دوم، طراحی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی-آموزشی که همسو با آموزه‌های قرآنی، عقلانیت، اخلاق، و همبستگی اجتماعی را تقویت کند. این پژوهش نشان می‌دهد که غلبه بر چالش‌های فرهنگی، نه با تقلید از الگوهای وارداتی، بلکه با بازگشت به اصالت دینی و conceptual foundations, challenges, and solutions pertaining to cultural capital from a divine-revelatory lens.

A review of the literature reveals a growing body of research that approaches cultural capital not solely from Western sociological frameworks but also through a lens informed by religious epistemology. While Bourdieu and his contemporaries conceptualized cultural capital as embodied dispositions, objectified assets, and institutionalized qualifications, Islamic scholars reinterpret these dimensions through the moral and spiritual values embedded in divine texts. For example, the work of Fathi underscores the internal pull toward knowledge and religious law as constitutive features of cultural capital in Islamic thought (Fathi & Dehghanpour Farashah, 2020), while Miri emphasizes the role of innate nature (fitrah), intellect, and faith as primary sources of cultural authenticity (Miri, 2014). Rouhani, in contrast, focuses on classical Western theories but notes their limited applicability in religious contexts (Rouhani, 2009). Moreover, contemporary studies, such as those by Surudin and Bsoul, explore how Islamic educational frameworks and pedagogical alignment with religious teachings serve as mechanisms for cultivating cultural capital in youth and broader communities (Bsoul, 2024; Surudin, 2024). Gozali's exploration of multicultural education grounded in Qur'anic values such as tolerance and

justice further illustrates the capacity of Islamic teachings to inform pluralistic yet cohesive cultural models (Gozali, 2023). Collectively, these studies affirm that cultural capital in Islamic societies encompasses not only knowledge and material representations but also spiritual values, ethical conduct, and the pursuit of divine proximity—an orientation fundamentally divergent from secular constructs that equate cultural capital with social prestige or power.

The conceptual framework of the study is grounded in a dual understanding of culture: as both a repository of inherited values and a dynamic process shaped by human agency in alignment with divine will. Classic definitions by thinkers such as Taylor and Williams regard culture as a composite of beliefs, arts, morals, customs, and intellectual outputs acquired by individuals as members of society (Taylor, 1871); (Williams, 1983). However, in the Islamic worldview, culture is not merely anthropogenic but a divinely guided phenomenon that determines the moral trajectory and survival of societies. Qur'anic verses consistently underscore the role of righteous culture in sustaining communities and warn of cultural corruption leading to societal collapse (e.g., Al-Rum: 41). As such, the Qur'an functions as both the primary source and the critical measure of cultural capital. It is a reservoir of divine wisdom, illuminating all aspects of individual and communal life, and providing a blueprint for spiritual and civilizational development (Tabatabai Borujerdi, 1989). The Prophet Muhammad and Imam Ali both advocated unwavering adherence to the Qur'an, portraying it as an inexhaustible fountain of knowledge, a light that dispels darkness, and the springtime of scholars' hearts (Al-Kulayni, 1986; Mohammadi Ray Shahr, 1983). Thus, Islamic culture, rooted in revelation, seeks to align human actions with divine purpose, asserting that the highest virtue lies not in material accumulation but in piety, justice, and sincere devotion.

While Western sociological theories such as those by Bourdieu and Fiske highlight the instrumental

role of cultural capital in achieving social mobility and maintaining class distinctions, Islamic teachings posit a radically different ontology and teleology. Bourdieu's tripartite classification—embodied, objectified, and institutionalized cultural capital—assumes that culture is human-made, context-dependent, and subject to commodification (Salehi Amiri, 2007). John Fiske adds a dimension of critical awareness among marginalized groups, suggesting cultural capital can be a means of resistance. In contrast, Islamic scholars such as Chalabi and Pourzarayan stress the equitable distribution of knowledge, reason, and participatory ethics as the functional attributes of cultural capital (Chalabi, 2003; Pourzarayan, 2010). Moreover, religious texts identify the Qur'an as a transformative force that transcends time and space, providing immutable guidance and elevating believers through moral refinement and spiritual discipline (Salehi, 2004). Imam Ali regards the Qur'an as the supreme cultural asset, one that empowers the oppressed and grants them sovereignty through divine knowledge (Mahdipur, 2008). Therefore, cultural capital in Islamic thought is both a divine trust and a moral imperative, encompassing the pursuit of knowledge, refinement of character, and alignment with divine justice. Its attainment requires active engagement with revelation, critical reflection, and societal participation anchored in faith.

The obstacles to cultivating cultural capital in Islamic societies are numerous and complex, spanning epistemological, ethical, social, and theological dimensions. At the epistemological level, the suspension of reason and the prevalence of intellectual authoritarianism pose serious threats. Qur'anic verses such as Al-Mulk:10 and Anfal:22 condemn those who fail to use their intellect, equating their negligence with damnation. Imam Ali warns against intellectual laziness, equating ignorance with poverty and rationality with strength (Nahj al-Balagha, Hikmah 54). Additionally, the rejection of divine revelation in favor of pseudo-spiritual or secular ideologies further weakens the cultural foundation, as

emphasized in Surah Isra:36. Prophet Muhammad's forewarning of a time when the Qur'an will be reduced to mere formality speaks to the dangers of superficial religiosity. On the ethical front, vices such as hypocrisy, disbelief, deviation, and misguidance are identified as internal ailments that erode cultural coherence and moral clarity. Imam Ali's taxonomy of disbelief illustrates how intellectual obstinacy and disunity can culminate in cultural apostasy (Nahj al-Balagha, Hikmah 317). Socially, challenges such as historical revisionism, the glorification of unworthy figures, and the normalization of unethical behaviors undermine the integrity of cultural narratives. The Qur'an (Surah Baqarah:42) and Hadiths stress the need for truthfulness, integrity, and moral vigilance in public discourse. Silence in the face of heresy, flattery of the immoral, and misrepresentation of religious icons further exacerbate the crisis. Together, these challenges disrupt the transmission of authentic values and destabilize the social and ethical architecture of Muslim communities.

To address these multifaceted challenges, the Qur'an and Hadith provide a comprehensive strategy anchored in knowledge enhancement, ethical conduct, social responsibility, and institutional integrity. Central to this approach is the elevation of religious knowledge as a spiritual and societal imperative. Qur'anic verses such as Mujadila:11 underscore the elevated status of the learned, and Hadiths from Imam Ali declare knowledge as a form of sovereignty. The equitable dissemination of knowledge is another pillar, as highlighted in Hadiths advocating for teaching others as a form of zakat on knowledge. Ethical reform through the inculcation of honesty, humility, and altruism is emphasized repeatedly. Prophet Muhammad's mission to complete moral virtues and Imam Ali's teachings on self-discipline illustrate the moral dimension of cultural capital. At the societal level, the principles of enjoining good and forbidding evil are presented as guardians of cultural integrity and community cohesion. The Qur'an (Surah Al-Imran:110) and the actions of Imam Hussein exemplify the role of proactive

cultural stewardship in resisting moral decay. Furthermore, fostering institutional mechanisms rooted in justice and accountability ensures that cultural capital is preserved and transmitted without distortion. The Qur'an's command to uphold justice (Nahl:90) and Imam Ali's vision of leadership as service underscore the structural dimensions of this ethical order. In sum, the Qur'anic and Hadithic paradigm envisions cultural capital as a holistic construct that integrates faith, intellect, and collective responsibility, charting a path toward spiritual excellence and civilizational revival.

In conclusion, the Qur'an and Hadith offer a rich and multifaceted conceptualization of cultural capital that challenges the limitations of secular models and presents a spiritually grounded alternative centered on divine guidance, ethical integrity, and communal welfare. Unlike Western theories that commodify culture as a means of social stratification, the Islamic perspective frames it as a sacred trust and a vehicle for human flourishing. By diagnosing the challenges facing Muslim societies and proposing scripturally grounded remedies, this study underscores the transformative power of faith-based cultural capital in shaping resilient, ethical, and intellectually vibrant communities. The way forward lies in revitalizing Qur'anic teachings, empowering religious scholarship, fostering ethical education, and building institutions that embody the values of justice, unity, and divine proximity. Only through such a comprehensive and spiritually anchored approach can Islamic societies cultivate a cultural identity that is both authentic and adaptive, capable of withstanding external pressures while nurturing internal coherence and collective purpose.

References

- Allport, G. W. (1961). *Pattern and Growth in Personality*. New York, NY: Holt, Rinehart & Winston.
https://ia601408.us.archive.org/30/items/in.ernet.dli.2015.199562/2015.199562.Pattern-And-Growth-In-Personality_text.pdf
 Bugental, J. F. T. (1965). *The Search for Authenticity: An Existential-Analytic Approach to Psychotherapy*. New York,

- NY: Holt, Rinehart & Winston.
<https://a.co/d/4cz3O4L>
- Bugental, J. F. T., Schneider, K. J., & Pierson, J. F. (2014). *The Handbook of Humanistic Psychology: Theory, Research, and Practice*. California: SAGE Publications.
<https://doi.org/https://doi.org/10.4135/9781483387864>
- Darabi, J. (2018). *Theories of personality psychology (Comparative approach)*. Tehran: Ayij Publishing.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1980). Self-determination Theory: When Mind Mediates Behavior. *The Journal of Mind and Behavior*, 1(1), 33-43.
<https://www.jstor.org/stable/43852807>
- Feast, G. J., Roberts, T., & Face, J. (2012). *Theories of personality*. Tehran: Ravan Publishing.
- Frankl, V. E. (1984). *Man's Search for Meaning: An Introduction to Logotherapy*. California: Touchstone.
<https://a.co/d/7QFIZ1c>
- Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-Arab* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Sader.
- Kamalvand, P., & Mohammad Ali Nejad, R. (2016). Comparative conceptualization of self-esteem in the Quran and humanistic psychology. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 7(27), 1-32.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Namuneh* (Vol. 14). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Maslow, A. H. (1968). *Toward a psychology of being*. New York: Insight Books; D. Van Nostrand Company.
<https://archive.org/details/towardpsychology1968masl/page/n8/mode/1up>
- Maslow, A. H. (1987). *Motivation and personality*. Longman Publishers.
<https://a.co/d/4FfO2o6>
- Maslow, A. H. (1993). *The Farther Reaches of Human Nature*. Louisiana: Arkana.
<https://a.co/d/fys7dNN>
- Miri, S. M. H., & Khademi Afzal, F. (2018). An examination and critique of Abraham Maslow's view on self-actualization with an emphasis on Islamic sources. *Journal of Comparative Exegesis Studies*, 4(7), 57-78.
- Noorbala, A. A. (2011). Mental-social health and strategies for improvement. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 17(2), 151-156.
- Pourafkari, N. (2003). *Comprehensive dictionary of psychology and psychiatry and related fields*. Tehran: Contemporary Culture Publishing.
- Raghib Isfahani, H. b. M. (1993). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Damascus, Beirut: Dar al-Qalam.
- Rogers, C. R. (1995a). *On Becoming a Person: A Therapist's View of Psychotherapy*. California: HarperOne.
<https://a.co/d/cArrBd8>
- Rogers, C. R. (1995b). *A Way of Being*. California: HarperOne.
<https://a.co/d/78G7jj7>
- Rosenberg, M., & Owen, J. (2020). *Self-esteem and its role in resilience*. London: Sage Publications.
- Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2012). *Theories of personality*. Tehran: Virayesh Publishing.
- Smith, E. R., & Mackie, D. M. (2021). *Social psychology*. New York: Psychology Press.
- Snyder, C. R., & Lopez, S. J. (2014). *Positive Psychology: The Scientific and Practical Explorations of Human Strengths*. New York: SAGE Publications.
<https://a.co/d/3oRzFhv>
- Tabatabai, M. H. (1997). *Al-Mizan* (Vol. 6). Qom: Dar al-Ilm.
- Veysi, O., Amiri, M., & Mohammadi, M. (2021). A comparative study of the concept of mental health from the perspective of Islam and modern psychology. *Journal of New Advances in Psychology*, 4(40), 23-45.
- Al-Kulayni, M. b. Y. (1986). *Al-Kafi* (Vol. 2). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Bahrami, M. (2025). Examining the relationship between religion and culture from the perspective of the Quran. *Quranic Research*(54 & 55), [No page numbers], Article Special Issue on the Quran and Cultural Engineering.
- Bsoul, L. A. (2024). Obstacles to sustainable development in the Islamic world. *Invest Journal of Sharia & Economic Law*, 4(1), 120-156.
<https://doi.org/https://doi.org/10.21154/invest.v4i1.8961>
- Bukhari, M. b. I., & Noor Ahari, A. *Sahih al-Bukhari* (Vol. 4). Tehran: Sheikh al-Islam Ahmad Jam Publishing.
- Chalabi, M. (2003). *Sociology of order: Explanation and analysis of social order theory*. Tehran: Ney Publishing.
- Farhadi, R. H. (2019). *Reflections on cultural engineering*. Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Fathi, I., & Dehghanpour Farashah, T. (2020). A comparative study of the concept of cultural capital in Bourdieu's theory and religious teachings. *Quarterly Journal of Religion and Cultural Policy*, 7(1), 165-212.
- Gozali, A. (2023). Multicultural Education in the perspective of the Qur'an and Hadith: Concepts and Implementation.

- <https://doi.org/https://doi.org/10.21070/pedagogia.v13i1.1570>
- Hasanzadeh, A., & Qasemi, V. (2016). Construction, design, and calibration of a model and provision of instruments for measuring cultural capital. *Iranian Sociological Journal*, 16(1 & 2), 64-73.
- Heydari, M. (2022). Hajj as the cultural capital of the Islamic world. *Miqat Hajj Quarterly*, 31(122), 7-28.
- Ibn Babuyah, M. b. A. (1994). *Man la yahduruhu al-faqih*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of Qom Seminary.
- Mahdipur, M. (2008). Cultural capital. *Mobalaghin Quarterly*(102).
- Majlisi, M. B. (1936). *Bihar al-Anwar al-Jami'a li-Durar Akhbar al-A'immah al-Athar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Miri, S. M. (2014). Sources of transcendent culture from the perspective of the Holy Quran. *Siraj Munir*, 4(12), 36-68.
- Mohammadi Ray Shahr, M. (1983). *Mizan al-Hikmah* (Vol. 3). Qom: Islamic Propagation Office.
- Pahlavan, C. (2003). *Cultural studies: Discussions on culture and civilization*. Tehran: Ghatreh Publishing.
- Pourzarayan, N. (2010). *An investigation of the economic and cultural status of young families in relation to their cultural and social capital (A case study in Tabriz)* Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University].
- Qasemi, M. A. (2005). Cultural decline in the mirror of the Quran. *Ravaq Andisheh*(42), 95-117.
- Rouhani, H. (2009). An introduction to the theory of cultural capital. *Strategic Quarterly*, 18(53), 35-37.
- Salehi Amiri, S. R. (2007). *Cultural concepts and theories*. Tehran: Qoqnos Publishing.
- Salehi, S. A. (2004). Quranic culture in Islamic Iran. *Quranic Research Quarterly*(39 & 40), Article Special Issue on the Ten-Year Index.
- Surudin, Y. (2024). Pendidikan Karakter dalam Islam Perspektif Al-Qur'an dan Hadits. *Religion, Education, and Social Laa Roiba Journal (RESLAJ)*.
<https://doi.org/https://doi.org/10.47467/reslaj.v6i5.1250>
- Tabatabai Borujerdi, H. (1989). *Jami' Ahadith al-Shi'a* (Vol. 15). Qom: Mehr Publishing.
- Taylor, S. E. (1871). *Primitive culture: Researches into the Development of Mythology, philosophy, Religion, Language, Art and Custom* (Vol. 1). London: John Murray Ltd.
- Williams, R. (1983). *Keywords*. London: Fontana.
- Yenshuireh, K., Fontaine, O., & Katbi, M. (2006). *Bourdieu's vocabulary*. Tehran: Ney Publishing.